



خانه دوست

محمد تابش

بررسی عوامل مؤثر بر حس دلبستگی دانش آموزان و معلمان نسبت به مدرسه و فضاهای یادگیری با توجه به معماری و مبلمان آن

دوست داشتن مدرسه

دوست داشتن خانه

در شماره پیشین اشاره کردیم که حس تعلق و دلبستگی به مدرسه و کلاس درس، باعث انگیزه، توجه و تلاش بیشتر در دانش آموزان می شود. همچنین، گفتیم که هرچند در این رابطه، عناصر و عوامل زیادی تأثیرگذارند ولی بخشی از این عناصر، مرتبط با طراحی معماری و مبلمان فضاهای مدارس هستند که از میان این عوامل، مختصری به طراحی و مبلمان فضاها بر پایه حمایت از فعالیت دانش آموزان در مدارس دانش آموز محور پرداختیم.

یکی دیگر از این عناصر، ایجاد احساس قلمرو و مالکیت فضاها و تداعی احساس درون فضای گرم و صمیمی خانه خود بودن است.

مدرسه من، خانه من

طراحی فضاها و مبلمان کلاس اگر به شکلی باشد که معلمین و دانش آموزان، آن فضاها را متعلق به خود بدانند آگاهانه و یا ناخودآگاه، دلبستگی بیشتری نسبت به آن پیدا می کنند. زیاد شنیده ایم که می گویند، مدرسه خانه دوم دانش آموزان است. اکنون نمی خواهیم این جمله را ارزش گذاری کنیم. اما کلمه کوتاه «خانه» در این جمله برای ما الهام بخش است. این کلمه بسیار ساده و گویاست. اگر در طراحی فضاهای مدرسه بتوان شرایطی ایجاد کرد که حس خانه در آن زنده شود، دلبستگی زیادی بین افراد و مدرسه ایجاد می شود. یکی از اساسی ترین ویژگی های یک خانه، حس قلمروی است که در افراد ساکن در آن وجود دارد. حتی اگر مالک



▲ شکل ۱.
کلاس درس به مثابه خانه

تجهیزات رفاهی مقتضی با شرایط محیطی و فرهنگی مدرسه، به طوری که برای دانش‌آموزان و معلمان، در بین فعالیت‌ها و در هر زمان، امکان استفاده از آن‌ها فراهم باشد و ایجاد احساسی مثل حس خانه، صورت پذیرد. (شکل ۱) مثلاً همان‌طور که در خانه و در هر زمان، امکان اینکه بچه‌ها از خودشان پذیرایی کنند میسر است، در این فضاها هم تقریباً به همان شکل مقدر باشد. البته توان مالی و حتی موقعیت مدرسه و همچنین سطح زندگی دانش‌آموزان آن، در نوع و سطح شکل‌گیری این موضوع بسیار تأثیرگذار هستند. همهٔ این شرایط وقتی امکان شکل‌گیری پیدا می‌کنند که نظام اداره کلاس، به صورت دانش‌آموز محور باشد که در شماره پیشین، قدری به آن پرداختیم.

مدل جامعه یادگیری کوچک یا آشیانه یادگیری

با همین رویکرد، اگر موضوع خانه یادگیری را به شکل دیگری نگاه کنیم می‌توانیم از مدل آشیانه یادگیری در این رابطه سخن بگوییم

آن خانه نباشند نیز این موضوع شکل می‌گیرد. ویژگی دیگر، حضور اجزا و عناصری است که در خانه وجود دارند و می‌توان از آن‌ها در محیط کلاس و مدرسه هم استفاده کرد. اما یک مدرسه چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد تا به خانه نزدیک شود و احساس قلمرو و از خود بودن در آن تقویت شود؟

خانه یادگیری

کلاس درس باید به گونه‌ای طراحی و تجهیز شود که بتوان نام «خانه یادگیری» روی آن گذاشت به صورتی که دیگر به سختی بشود در نگاه نخست، آن را یک کلاس درس نامید. هر چند این بحث در حوزه گسترده‌تر و کامل‌تری قابل بررسی است و در آینده به آن خواهیم پرداخت، اما آنچه به بحث ما بازمی‌گردد آن است که نمادها و عناصر فضاهای اتاق‌های یادگیری یا همان کلاس‌های درس، باید خیلی نزدیک به فضای خانه باشد. فضایی با میلمان متنوع، حتی میلمان نرم، امکانات متعددی مانند آبخوری، سینک، کابینت، یخچال و سایر



◆ شکل ۳. کاشانک: ترکیب میز پایه‌ای لازم، در آن فضاها شکل می‌گیرد. همچنین ارتباطات بین

تحریر و کمد وسایل

تجهیزات و کمد های شخصی

دانش‌آموز و یا معلمی که در یک مدرسه، امکانات و تجهیزات شخصی قابل اتکایی داشته باشد، بیشتر آن‌جا را به خانه خود نزدیک می‌بیند. هر دانش‌آموز، کمد مناسبی داشته باشد که بتواند کیف، کتاب‌های گوناگون، کفش و لباس ورزشی و موارد دیگری را به راحتی در آن، جای دهد. به گونه‌ای هر کس بتواند با سلیقه و نظر خودش، آن را تزئین و تجهیز کند.

مناسب است تا این کمد ها در فضای مطلوب و مناسبی جانمایی شوند. فضایی روشن، با وسعت مناسب و نزدیک به موقعیت‌هایی که افراد، در آن فعالیت می‌کنند. حتی گاهی می‌توان آن را در زیر میز تحریر دانش‌آموز قرار داد.

همان‌گونه که بیشتر افراد در خانه خود فضاها و یا تجهیزاتی دارند که با آسودگی خاطر، وسایل شخصی خود را در آن قرار می‌دهند، اگر این آسودگی خاطر تا حد امکان در مدرسه نیز تأمین شود، با تقویت حس قلمرو و ملکیت آن‌ها، به احساسی خانگی نزدیک می‌شوند. احساسی که دلبستگی بیشتر با مدرسه ایجاد می‌کند. احساسی که مدرسه را برای آن‌ها دوست‌داشتنی‌تر می‌کند.

امیدواریم در آینده بتوانیم زمینه‌های دیگری را که در طراحی معماری و میلمان مدرسه، در دوست‌داشتنی‌تر شدن مدرسه تأثیرگذار است مورد بررسی قرار دهیم. منتظر دریافت نظرات شما به کمک رایانامه نشریه هستیم.

و ایده بگیریم. هر چند مدل جامعه کوچک یادگیری یا آشیانه یادگیری بحثی متفاوت و گسترده‌تر دارد ولی بخش‌هایی از آن، در اینجا قابلیت ایده‌پردازی بیشتری به ما می‌دهد. فرض کنید یک مدرسه، سه پایه تحصیلی اول تا سوم دارد. از طرفی بچه‌های هر پایه تحصیلی، به دو کلاس یا گروه تقسیم شده‌اند. می‌توان برای این مدرسه، سه آشیانه یادگیری تعریف کرد. در هر آشیانه یادگیری، دو کلاس یا اتاق یادگیری متعلق به هر پایه در مجاورت هم هستند، دفتر مشاور و معلم راهنمای آن‌ها، محل کمد ها و تجهیزات شخصی آن‌ها، سرویس‌های بهداشتی مخصوص و متمایز با پایه‌های دیگر، فضای مشترک چندمنظوره سرپوشیده، فضاهای نیمه‌باز و باز جهت گپ و گفت‌های دوستانه، یک کارگاه کوچک مجهز به امکانات مرتبط با فعالیتهای آن پایه تحصیلی، فضای غیر رسمی برای خوردن و آشامیدن و حتی تهیه یک خوراکی توسط خود دانش‌آموزان، مستقل از سالن غذاخوری مرکزی مدرسه و همچنین انواع فضاهای پاتوقی مرتبط با فعالیتهای آموزشی و فرهنگی متناسب با آن دسته از دانش‌آموزان، در محدوده و مجاورت آن دو کلاس یا اتاق‌های یادگیری آن‌ها می‌باشد، این توصیف می‌تواند چیزی شبیه یک جامعه یادگیری کوچک یا یک آشیانه یادگیری باشد.

این مجموعه فضا به نوعی حوزه استحفاظی دانش‌آموزان و معلمان آن پایه تحصیلی است. احساس قلمرو و در پی آن، حس خانه بودن و حس ملکیت در چنین وضعیتی به شدت، قوت می‌گیرد. البته فضاهای مشترکی مثل کتابخانه مرکزی، نمازخانه، سالن غذاخوری و حیاط مدرسه در نقش خود حضور دارند و فعالیتهای



◆ شکل ۲. کمد های شخصی مدرسه، با تجهیزات کافی، متناسب با سلیقه هر دانش‌آموز